

## اعلامیه سازمان سوسیالیستهای کارگری افغانستان به مناسبت جنایات هولناک و ددمنشانه تروریسم اسلامی در کابل و شهرهای دیگر افغانستان

تروریسم جنایت پیشه اسلامی در قد و قیافه طالبان و داعش یکبار دیگر شهروندان بی دفاع کابل، جلال آباد، قندهار و ... را سلاخی نمودند. قساوت و بی‌رحمی بی‌نظیر این جانان وحشی وجدان بشریت آگاه و آزادیخواه در سراسر جهان را جریحه دار ساخت. این ماشین جنایت، ددمنشی و توحش که توسط نظام سرمایه داری جهانی و دول ارتجاعی منطقه در هیئت مجاهد، طالب، داعش و ناسیونالیسم تباری و قومی ساخته و پرداخته شده اند، چهار دهه است که چون زالو از مردم افغانستان خون می‌مکند و هر روز نیز فرجه تر می‌شوند. سرچشمه تمام این شرارت‌ها و جنایت‌های بی‌وقفه در افغانستان که هر روز از مردم زحمتکش قربانی می‌گیرد ارتجاع بورژوا-امپریالیستی و ایادی‌شان در قامت نیروهای مذهبی و قومی اند.

واقعیت انکار ناپذیر وخامت اوضاع و تشدید جنگ و خشونت را باید در تناقضات درونی خود رژیم حاکم و ناتوانی اش در پاسخ‌گویی به مطالبات مردم و رفع و رجوع اساسی مشکلات اقتصادی و مدیریت جنگ جستجو کرد. "دولت وحدت ملی" از دیر مدتی است که علی‌الرغم اتکاء به قدرت‌های امپریالیستی از درون دچار فروپاشی شده است. این آن زمینه عینی و مادی است که به نیروهای طالبان، داعش و حامیان منطقه بی‌شان فرصت می‌دهد تا سهم خواهی نمایند و در مذاکراتی احتمالی "صلح"، از موضع برتر وارد مذاکره شوند؛ آنچه که روشن و مسلم است چه به لحاظ ایدئولوژیک و چه به لحاظ ماهیت سیاسی تفاوت ماهوی بی‌بین سران و کارگزاران دولت ارتجاعی پوشالی به رهبری غنی و عبدالله و طالبان و داعش و ... وجود ندارد. اینها چه در دولت و چه در جبهه مخالف آن دقیقاً سرورته یک کرباس و محصول استراتژی کاپیتالیسم جهانی در رأس امپریالیسم آمریکا و شرکای‌شان در کشورهای ارتجاعی منطقه اند که بر سرنوشت و حیات مردم مظلوم و بی‌دفاع افغانستان تسلط یافته اند؛ این دو صف ارتجاعی، هم دولت پوشالی و هم طالبان و داعش، از چنان ظرفیت‌های ضد بشری مشترک و بالقوه بی‌برخوردار هستند که می‌توانند هر آن به مدد حامیان منطقه بی‌و جهانی‌شان جامعه را به اعتبار تعلق قومی، مذهبی و زبانی شهروندان آن از هم متلاشی سازند و فجایع هولناک‌تر از آنچه که تا امروز مردم شاهد بوده اند را به مردم زحمتکش افغانستان روا بدارند. در کنار سایر مسایل و فاکت‌های مهم دیگر این آن وجه مخاطره‌انگیزی است که مردم را در موقعیتی گیج‌کننده قرار داده است که امید سلب و نفی وضعیت جاری و خلاصی و رهایی از آن را دور از دسترس بدانند.

تجربه بعد از اشغال افغانستان توسط آمریکا و متحدانش در ناتو، بیانگر آن است که دولت‌های ارتجاعی و پوشالی به رهبری کرزی، غنی-عبدالله (که عمدتاً متشکل از ارتجاع اسلامی-قومی اند) و همچنین نیروهای طالب و داعش به لحاظ مشترکات طبقاتی و تعلق‌شان به کمپ ارتجاع بورژوا-امپریالیستی نه اینکه یکدیگر را نفی نمی‌کنند بلکه مکمل هم دیگر اند. و این بنیاد و فلسفه اصلی زنده و سرپا نگهداشتن پروژه طالب از یکجانب و سروسامان دادن به نیروهایی تحت پرچم و عنوان داعش از جانب دیگر توسط امپریالیسم آمریکا و نهادهایی در درون "دولت وحدت ملی" است. مردم افغانستان در تجربه هولناک زنده‌گی تحت حاکمیت نیروهای ارتجاعی و حامیان بین‌المللی آنها دریافته اند که نظام سرمایه داری جهانی این مردم را لایق یک زنده‌گی که در آن آسایش و رفاه و امنیت باشد نمی‌داند و بر همین مبنا است که طی بیشتر از چهار دهه از ارتجاعی‌ترین نیروها به عنوان گزینه مطلوب برای پیشبرد سیاست‌های منطقه‌بی و استراتژیک‌شان کار گرفته و آن را تحت عنوان به رسمیت شناختن "واقعیت موجود" و خواست و تفکر مردم افغانستان به شکل دهشتناکی بر کرده مردم زحمتکش و عاصی از جنگ، فقر و ارتجاع تحمیل نموده اند. در یک چنین فضایی عصیان و خشم مردم دارد در اشکال تقابل گروه‌های انتیکی، تباری و زبانی در خدمت بهره‌برداری ارتجاع مذهبی و قومی در کمین نشسته که خود جز ساختار قدرت و شریک این همه بربریت و جنایت است، کانالیزه می‌شود. خشم و عصیان برحق مردم در قبال جنایات ددمنشانه طالبان و ضعف و ناتوانی حاکمیت باید قبل از همه منتج به نفی و سلب عملی وضعیت حاکم شود، وضعیتی که در آن همه مردم زحمتکش افغانستان به یکسان قربانی شده و همچنان قربانی می‌شوند. از نظر سازمان سوسیالیستهای کارگری افغانستان علی‌الرغم عدم موجودیت نهادهای کارگری و اجتماعی مترقی و آزادی‌خواه، چیزی که می‌تواند در دل این واقعیت عینی شکل و سامان بگیرد، و ضعف و فترت جنبش سوسیالیستی و چپ، وضعیت کنونی به همان اندازه که زمینه‌یاریگری به جریان‌های ناسیونالیست قومی و تباری را فراهم آورده است می‌تواند فرجه و زمینه‌ی مادی ایجاد و سازمانیابی تشکل‌های کارگری و نهاد‌های اجتماعی و شوراهای محلات را نیز فراهم آورد. چیزی که می‌تواند قطب‌سومی در تقابل با هر دو صف ارتجاعی را سر و سامان دهد.

سازمان سوسیالیست‌های کارگری افغانستان در ضمن تقبیح جنایات شنیع، مدحش و وحشیانه طالبان-داعش و بی‌مسئولیتی و بی‌کفایتی اراکین و سران قدرت حاکمه و حامیان امپریالیست آن در تأمین امنیت مردم، یاد جانباخته‌گان حوادث اخیر را گرامی داشته و از مردم آزادی‌خواه در پیشاپیش آن کارگران و فعالان سوسیالیست و چپ می‌خواهد که در این برهه حساس بیشتر از قبل ادای مسئولیت و فرصت‌شناسی دقیق نموده در ضمن توضیح مکان و منفعت

طبقاتی که دولت پوشالی آن را نماینده گی می کند و همچنین افشای ماهیت ارتجاع اسلامی در هیئت طالبان- داعش دست نیروهای ارتجاعی بی که بر اساس تبار و قوم به تفرقه در میان مردم مشغول اند تا بر بنیاد آن سهم بیشتری از خوان قدرت را نصیب شوند، نیز به روشنی افشا نموده و زمینه های مادی شکل گرفتن قطب سوم را با کار و تلاش پیگیر مساعد سازند تا باشد مردم به قدرت اجتماعی و اتحاد شان بساط جهل و فقر و جنگ را بر چینند و دولت پوشالی و حامیان اش را برای همیشه از دخالت به زنده گی و سرنوشت شان ساقط سازند.

**مرگ بر ارتجاع اسلامی!**

**ننگ و نفرین به دولت پوشالی!**

**مرگ بر نظام سرمایه داری!**

**یاد و خاطره قربانیان توحش و ارتجاع اسلامگرای باد!**

**زنده باد سوسیالیسم!**

سازمان سوسیالیست های کارگری افغانستان

دلو ۱۳۹۶؛ جنوری ۲۰۱۸